چرا تلویزیون برای نوجوانان امروز مثل گذشته برنامه ویژه‌ای ندارد؟

دهه هشتادی‌ها خارج از قاب

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

«سن انتقال از کودکی به بزرگسالی»، «دوران میان کودکی و جوانی»، «دوران توفان و تنش شدید» و... هر تعریفی برای سن نوجوانی ارائه دهید می‌تواند جوابگوی مشترک دست غریز بسیارند، حالا این گروه سنی فارغ از اینکه در کدام جامعه زندگی کنند، خواسته‌هایی دارند و مسئولیت‌هایی. نسبت این طبقه سنی با رسانه و بالعکس آن، مسئله مهمی است که از آن غفلت می‌شود. باید اعتراف کرد که در سه دهه اخیر سهم جوانان و کودکان از توجه جامعه و رسانه‌ها بیشتر از نوجوانان بوده است.

اگر مبنا را رسانه‌های رسمی کشور قرار دهیم این تفاوت با تعبیقی بیشتر نشان داده می‌شود. شبکه سه که به شبکه جوان معروف بوده و است در سال ۷۲ افتتاح شد. شبکه پویا که مختص کودکان است در سال ۹۱ شروع به کار کرد. اما شبکه امید که گفته شد مخصوص نوجوانان است، از سال ۹۵ فعالیتش را آغاز کرده و همین نکته به‌ظاهر کم‌اهمیت، فضای کلی ذهن مدیران و جامعه را ترسیم می‌کند. البته این تبعیض خاص رسانه کشور ما نیست. اگر در تلویزیون کشور ما زمانی برنامه‌هایی مثل «نیمرخ»، «اکسیژن» و «کوله‌پشتی» پخش می‌شده است. اما در کشورهایی مانند آمریکا، ژاپن و انگلیس خبری از برنامه‌های ترکیبی اینچنینی نیست. فیلم‌ها، سریال‌ها، بازی‌ها و اتیمیشن‌ها تمام آن چیزی هستند که رسانه‌های غربی به نوجوان می‌دهد. معرفی قهرمانان، پاپوزگی‌های اعجاب‌انگیز، اجازه استفاده از قمار، سکس و خشونت به عنوان مثلث غالب بر برنامه‌های تولیدی‌شان و ترویج تنهایی، بدون خانواده از جمله خصوصیات عموم برنامه‌هایی است که برای نوجوانان تهیه و پخش شده است. گفته می‌شود در مورد گروه نوجوانان، عدم توانایی «نه» گفتن به دوستان، کنجکاوی، لذت‌جویی پرخطر، تنزل قبح رفتار ناسالم، تضاد بین حقیقت و واقعیت، شکاف نسلی و دوستان فراتر از والدین، از عناصر و زمینه‌هایی هستند که در شکل‌گیری سبک زندگی موثرند. برای این گروه از مخاطبان با توجه به موارد مذکور، حوزه فضای مجازی جذابیت بیشتری دارد و احتمالا پژوهش‌های سبک زندگی در مورد این گروه باید متمرکز بر فضای مجازی باشد. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم سبک زندگی یک فرد در دوران نوجوانی‌اش شکل می‌گیرد. رسانه‌ها «مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری تفکر فردی هستند و سهم شبکه‌های تلویزیونی و سینماها در این قضیه در بالاترین حد است.

گفت‌وگو با مهدی سالم، مدیر شبکه امید

با شبکه پویا و شبکه سه هماهنگیم

سن نوجوانی سن خاصی است. فضای تفریح گونه کودکانه را نداریم و از سوی دیگر فضا و رفتارهای بزرگسالانه را هم نداریم. یک نگاه دیگر در حوزه نوجوانان بحث ایندهسازی است. در این سن باید تصمیم‌برای کار و جامعه و مسائل مختلف یک نسل گرفته شود. شبکه امید چه ملاحظاتی به‌منظور برنامه‌سازی برای چنین طبقه سنی دارد؟

برنامه‌سازی برای نوجوانان یک تخصص متفاوتی نسبت به برنامه‌سازی کودک یا بزرگسال است. تقریبا سه سال پیش که کار را شروع کردیم دچار یک خلأ جدی در حوزه تولیدکنندگان محتوای ویژه نوجوانان بودیم. اگر بخواهم این را مرور کنم شاید به خاطر داشته باشید که سال‌های گذشته فیلم سینمایی مناسب برای نوجوان در سینما تولید نمی‌شد. به لطف خدا بعد از ۳ سالی که، نه‌فقط شبکه امید که کل ساختار فرهنگی نظام دقت نظری روی حوزه نوجوان داشته، شاهد هستیم که فقط در سال گذشته ۷ فیلم سینمایی در این عرصه تولید شده است. البته هنوز در حوزه موسیقی دچار کمبود وضعف جدی هستیم. موسیقی‌های مورد پسند نوجوانان در داخل کشور تولید نمی‌شود. باید در موسیقی کار کرد و می‌توانید وضعیت فعلی کشور را با وضعیت ۴۰-۳۵ سال گذشته در حوزه نوجوان مقایسه کنید. روزانه ۵-۶ گروه سرود به من پیام می‌دهند و درخواست پخش آثار خود را دارند. در حوزه‌ای که ما ۳۵-۴۰ سال پیش هیچ موسیقی با سرود فاخر را نمی‌توانستیم به این راحتی پیدا و پخش کنیم. مسابقه‌ای در تابستان روی آنتن تحت‌عنوان مسابقه «سرا» می‌بریم که به این حوزه می‌پردازد.

شعر است یا موسیقی هم هست؟

موسیقی و سرود برای آقا یرسهاست. برای دخترخانم‌ها بحث نقالی را پیگیری می‌کنیم. مسابقات به‌صورت کشوری در مشهد مقدس برگزار می‌شود. لردگاهی است و آثار خود را می‌فرستند و هیات‌انتخاب انتخاب می‌کنند و بعد از اینکه انتخاب‌ها تمام می‌شود، در مشهد حضور پیدا می‌کنند و در استودیویی که آنجا آماده شده است، آثار خود را اراله می‌کنند و داوران ما هم رای می‌دهند. اسامی آثار که از هرجنگان خود موسیقی هستند را به مرور اعلام قطعی می‌کنیم، ولی نهایی شده است. داوران قسمت نیمه‌نهایی و نهایی مشخص شده است. داوران هیات‌انتخاب هم انتخاب‌های آثار را انجام می‌دهند. در این مدت سه‌سال تغییر چشمگیری در حوزه فیلم و سریال، حوزه موسیقی، حوزه سرود و تئاتر و فعالیت‌های فرهنگی و هنری نوجوانان اتفاق افتاده است.

مساله دیگر شبکه امید، بحث تولید محتوا برای نوجوانان است دراین خصوص چه اتفاقاتی افتاده است؟

صداوسیما به‌عنوان بزرگ‌ترین فضای تولیدکننده محتواست. در شبکه امید بیش از ۱۸۰ هزار دقیقه برنامه‌سازی کردیم. این مقدار در مقایسه با هیچ تولیدکننده دیگری در داخل کشور برای نوجوان نیست. این محتوا را بااندازیری که اتحاد شده در فضای مجازی انتشار می‌دهیم، سایت‌های مربوط به صداوسیما و صفحاتی که وجود دارد، تکمیل‌کننده‌ای در چرخه محتوا بود. در حوزه بازی‌های کامپیوتری وسرگرمی‌های دیجیتال، اقداماتی انجام دادیم. البته با فعالیتی که مرکز بازی‌های کامپیوتری یا جامای دیگر همچون مجموعه سراج، NGO‌ها و نهادهای فعال و شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در این زمینه انجام می‌دهند، در این حوزه و در مجموعه هنرهای دیجیتال یک حرکت رو به رشدی داشتیم. در حوزه کتاب، آثار بهتری داریم. رمان‌های نوجوانانه نگاشته می‌شود تا از حالت ترجمه‌ای صرف که قبلا وجود داشت تا شاید الله شاه خارج شود و این می‌تواند بدبختی توجه کردن به حوزه نوجوانان باشد. این مجموعه کارهای رسانه‌ای است که اتفاق می‌افتد.

اینها کارهای بزرگی است ولی نیاز به هماهنگی با شبکه پویا و نهال دارد چون مخاطبان شما به یکباره از صفر نمی‌آیند که شبکه امید را تماشا کنند. فرض بر این است که مخاطبان شما ۳ سال پیش شبکه پویا را نگاه می‌کردند والان شبکه امید را تماشا می‌کنند. این هماهنگی در هدف‌گذاری وجود دارد تا جوانی که تربیت می‌شود با یک الگوی ذات باشد؟

ما در صداوسیما آرایش رسانه‌ای داریم. شبکه پویا زیر ۷ سال است و ما آن را خردسال می‌نامیم، از ۷ سال تا ۱۲ سال را کانال نهال و از ۱۲ سال تا ۱۸ سال شبکه امید است و بیشتر از ۱۸ سال را شبکه ۳ پوشش می‌دهد. این هماهنگی به‌صورت هفتگی اتفاق می‌افتد که هر دوشبه جلسات مشترک با هم داریم که همه مدیران شبکه‌ها هستند. این هماهنگی توسط معاونت سیما انجام می‌شود. علاوه بر این یک برنامه ۵ ساله داریم که تا ۱۴۰۱ خاتمه می‌یابد. در این برنامه ۵ ساله معاونت سیما و سازمان صداوسیما خط‌مشی‌های عملیاتی تمام شبکه‌ها تعریف شده است. به فراخور اتفاقاتی که در هر برهه‌ای از زمان ممکن است رخ دهد مثل وضعیت کرونایی که ایجاد شد یا مباحث دیگر و حتی بحث جهش تولید و اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، هماهنگی‌هایی ستادی در معاونت سیما تشکیل می‌شود که خاصه به این موضوعات می‌پردازد که یکی از این شوراهای مهم در سازمان صداوسیما و معاونت سیما، شورای کودک و نوجوان است. اعضای این شورا، نه‌فقط از شبکه امید و کودک و شبکه ۳، بلکه با حضور افراد از شبکه‌هایی است که گروه‌های برنامه‌ساز کودک و نوجوان دارند.

نقدی که به برنامه‌های تلویزیون به‌صورت کلی وارد می‌شود این است که برای نوجوان و جوان کاربردی نیست، یعنی یک حرفه‌ای یاد بگیرد. در شبکه امید شاهد هستیم این اتفاق تا حدودی افتاده است. چه بسیر و چه دخترو فتی برای شبکه امید می‌نشیند کار کاربردی را یاد می‌گیرد یعنی تفریح صرف نیست. شعار دادن صرف نیست، آموزش دادن صرف هم نیست. ممکن است برای زندگی او این مساله مهم باشد یا بسر حرفه‌ای را یاد بگیرد که بعدها به درد او می‌خورد.

هر شبکه‌ای یک وظیفه‌ای به‌عهده دارد. کودک در سن کودکی نیاز به سرگرمی بیشتر دارد. احتیاج به این دارد به نشاط خانواده اضافه شود. تعامل و سازندگی را ی که تجام‌دهند و دوستانی که در شبکه کودک هستند و کار می‌کنند بیشتر این بحث‌های سرگرمی و نشاط را دارند، در عین حال که بحث‌های کاربردی هم رعایت می‌کنند. بخواهیم تقسیم‌بندی کنیم می‌گویند ۲۰ درصد از زمان خود را به حوزه آموزش می‌پردازیم، ۳۰ درصد به حوزه معارف و ۵۰ درصد به حوزه سرگرمی می‌پردازیم. در شبکه امید همین است و نکته‌ای که وجود دارد این است که بر پهه نوجوانی و تولید محتوا برای سن نوجوانی باید حتما آموزشی باشد. قسمت زیادی از آینده بچه‌ها در دوره نوجوانی شکل می‌گیرد. می‌دانیم فشرده‌ترین دوره آموزش زندگی هر کدام از ما دوره نوجوانی بوده است یا به واسطه امتحان کنکور یک فشار خاصی به خود وارد کردیم یا حتی مهارت‌آموزی در هنرستان بوده است. ما هم در این حوزه ورود کردیم.

نقدی که به برنامه‌های تلویزیون به‌صورت کلی وارد می‌شود این است که برای نوجوان و جوان کاربردی نیست، یعنی یک حرفه‌ای یاد بگیرد. در شبکه امید شاهد هستیم این اتفاق تا حدودی افتاده است. چه بسیر و چه دخترو فتی برای شبکه امید می‌نشیند کار کاربردی را یاد می‌گیرد یعنی تفریح صرف نیست. شعار دادن صرف نیست، آموزش دادن صرف هم نیست. ممکن است برای زندگی او این مساله مهم باشد یا بسر حرفه‌ای را یاد بگیرد که بعدها به درد او می‌خورد.

ما یک تیم متخصص در حوزه تامین برنامه داریم. متخصص عرصه کودک و نوجوان نیز از جنس برنامه‌شناس، روانشناس، اکثرا از مشاوران مدارس هستند که به اینجا دعوت کردیم. در تامین برنامه بعضا به ما ایراد هم می‌گیرند. کاری در شبکه ۳ و نمایش و نسیم پخش می‌شود و اگر همان کار را شبکه امید بخواهد مجددا پخش کند، ملاحظاتی روی آن اعمال می‌کند. یک موقع تهیه‌کننده‌ای با ما تماس گرفت و گفت که همین برنامه را از شبکه دو پخش می‌کنم بدون اینکه بخش‌ها حذف شوند، شما چرا این را ویرایش کردید؟ چرا اصلاحات به این زدید؟ گفتم این شبکه مختص نوجوان است و حتما باید ویرایش نوجوانانه داشته باشد. اگر بخواهم صرفا حتی از داخل سازمان اثری را درشبکه خود م‌بازپخش کنم حتما ملاحظات خودم را رعایت می‌کنم. همان تیمی که در تامین برنامه نشسته‌اند و متخصص این کار هستند این کار را انجام می‌دهند. آثاری که از خارج مرزها وارد می‌شود، دوبرنامه رسانش و بازپوپوری داریم. دوعرصه‌ای که به‌شدت مخاطب نوجوان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بازی‌های کامپیوتری که در بازیوپزین به ما می‌پردازیم و این بازی ضمن اینکه خود بازی‌ها را معرفی می‌کنند تفکر انتقادی را در لایه پنهان به مخاطب منتقل می‌کند. پیام‌هایی که در بازی‌ها وجود دارد را به نوجوان منتقل می‌کنیم و نشان می‌دهیم این بازی برای این پیام را انتقال می‌دهد. در برنامه رسانش هم به بررسی فیلم‌های سینمایی می‌پردازیم. فیلم‌های سینمایی روز دنیا را معرفی می‌کنیم. در پایان می‌خواهیم یک نکته‌ای بگویم که شاید برای شما جالب باشد و آن این است که از آقای اعلائی دعوت کردیم. آقای اعلائی وقتی برنامه نیمرخ را تولید می‌کردند، مدیرگروه کودک و نوجوان بودند. ایشان اصال تابستان با برنامه دیگری بعد از مدت‌ها روی آنتن شبکه امید می‌آید. تیم خود را فعال کردند. آقای اعلائی جزو شرای ایندهسوز شبکه امید هستند. قبول زحمت کردند که برنامه‌ای را عهده‌دار شوند و به‌عنوان سرپرست تولید کمک کنند. این اتفاق خوبی در برنامه‌های تابستان می‌شود.

می‌آید و اینها را احاطه کرده است. یعنی یک بحث ایجابی و یک بحث سلبی دارید که باید بگویید فلان بازی برای شما مناسب است یا خیر. درباره برنامه‌سازی بیان کردید. نسبت برنامه‌های تولیدی با برنامه‌هایی که از جاهای دیگر می‌گیرید و دوبله می‌کنید چقدر است و اساسا موضع شما چیست؟ هر برنامه‌ای از آن سویباید جلویش را می‌گیرید یا سنجش و گزینش دارید؟

شعار رقبای قوی‌ای دارید، یعنی انیمیشن‌ها و بازی‌ها و فیلم‌های قوی‌ای برای نوجوانان

یادداشت

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

تین‌شو در چهارگوشه جهان

سریال‌سازی برای نوجوانان یکی از سودآورترین شاخه‌های تجاری در صنعت فیلمسازی جهان است و از فنی‌ترین و تکنیکی‌ترین کارها مثل آثار اثرفهرمانی و اکشن گرفته تا ساده و سطحی‌ترین آثار مثل درام‌های عشقی و کمدی‌های سیت‌کام را شامل می‌شود. با این حال دیده می‌شود که تلویزیون‌های پایلیک دنیا عمده‌ترین تولیدکننده و پخش‌کننده‌های چنین مجموعه‌هایی هستند. به‌واقع چرا چنین است؟ چرا گویا، فی‌الجمله در صنعت فیلمسازی که می‌تواند تا این حد به لحاظ مالی سودآور باشد، باید محدولتش را به‌صورت مجانی در دسترس عموم قرار دهد؟ مجموعه‌های مرتبط با نوجوانان بخش مهمی از فرهنگ‌سازی هر کشوری را تشکیل می‌دهند و از همین رو است که کشورهای مختلف روی آن سرمایه‌گذاری ویژه‌ای کرده‌اند. در ادامه به سبک کار کشورهای مختلف در چهارگوشه جهان، چنانکه با تولید تین‌شو یا همان برنامه‌های تلیویزونی نوجوانان مرتبط باشد، پرداخته شده است. در بسیاری از کشورها این مجموعه‌ها براساس کتاب‌های مصور که برای نوجوانان نگاشته شده ساخته می‌شوند، اما در بعضی کشورهای دیگر این کار در پیوند با سینمای عامه‌پسند جریان اصلی انجام می‌شود.

آمریکای سفید و آمریکای لاتین

ایالات متحده همان طور که در اولین نگاه به نظر می‌رسد، پرتعدادترین آثار در حوزه نوجوانان را دارد. «سبک زندگی آمریکایی» عبارت آشنایی برای تمام مردم دنیاست و آثار تلویزیونی حوزه نوجوانان، یکی از بخش‌های مهم در پیشبرد این فرهنگ‌سازی است. خیلی از مجموعه‌ها ممکن است مستقیما در دسته‌بندی آثار نوجوانان قرار نگیرند، اما مخاطب اصلی‌شان نوجوانان هستند. به‌عنوان مثال آثار اثرفهرمانی و بعضی از اکشن‌ها چنین هستند.

اما فیلم‌ها و سریال‌هایی که مستقیما برای نوجوانان ساخته می‌شوند هم تعداد قابل‌توجهی دارند و در آنها تاکید واضحی روی سبک زندگی آمریکایی شده است. یک بخش عمده از چنین آثاری سریال‌های کالجی هستند که به بررسی روابط دختران و پسران می‌پردازند و بعید است که یک مورد از این سریال‌ها را بتوان بدون نمایی از پرچم آمریکا پیدا کرد. به‌علاوه، موردی را نمی‌توان یافت که شخصیت اصلی آن سیاه‌پوست، سرخ‌پوست یا هر تیپ دیگری غیر از سفید اروپایی باشد. در کشورهای آمریکای لاتین هم سریال‌سازی برای نوجوانان یک سنت قدیمی، جاافتاده و پررونق است. برزیل، آرژانتین، ونزوئلا، پرو، کلمبیا و بولیوی، عمده‌ترین تولیدکنندگان تین‌شو در کشورهای لاتین‌تبار هستند. سریال‌سازی در این کشورها برای نوجوانان بیشتر متاثر از سنت سریال‌سازی «تله‌نوولا» است. تله‌نوولاها دارای قسمت‌های متعددند و پس از مدت طولانی (معمولا کمتر از یک‌سال) به پایان می‌رسند.

شرق دور

در شرق دور سریال‌های ریبل و انیمیشن بسیاری براساس کتاب‌های مصور ساخته می‌شوند و مخاطب عمده و اصلی این مجموعه‌ها نوجوانان هستند. مانگاهای ژاپنی، معروف‌ترین محصولات شرقی هستند و کره‌ای‌ها هم با سبکی نزدیک به آن که مانهوا نام دارد همین شیوه را پی گرفته‌اند. در اندونزی، فیلیپین، ویتنام، سنگاپور و سایر کشورهای شرق دور هم سریال‌های متعددی برای نوجوانان ساخته می‌شود که عمدتا با نگاه به فرهنگ بومی تولید شده‌اند. به‌عنوان مثال رسم «مرانته» که نام یک سفر آموزشی برای نوجوانان اندونزی است و ریشه در فرهنگ باستانی این کشور دارد، درنوامبه بسیاری از آثار اندونزی شده است. چین اما امروز از همه بازار بزرگ‌تری دارد. اتفاقا چینی‌ها روی کودک و نوجوان سرمایه‌گذاری جدی کرده‌اند و تاکید ویژه‌ای هم روی فرهنگ بومی، هویت‌گرایی و حس وظیفه‌شناسی و وطن‌دوستی دارند.

اروپا

در قاره سبز، ایتالیا و آلمان مجموعه‌های متعددی برای نوجوانان تولید می‌کنند؛ فرانسه تولیدات زیادی دارد و اسپانیا از فرانسه هم بیشتر. تمام اینها اما به اندازه انگلستان قابل تبیینند. انگلستان مهد تلویزیون‌های پایلیک، دولتی و مجانی در دنیاست و به‌همین دلیل تولیدات تلویزیونی بسیاری هم برای نوجوانان دارد. بسیاری از این سریال‌ها تولید بی‌بی‌سی انگلیسی هستند و با هدف ریل‌گذاری ذهن نوجوانان تولید شده‌اند. در کشورهای دیگر اروپایی، حتی کشورهایی مثل اوکراین که سینمای پویا و فعالی ندارند، صنعت سریال‌سازی برای نوجوانان وجود دارد. حوزه‌های مشترک زبانی بین بعضی از کشورهای اروپایی، باعث شده که آنها مشتری محصولات همدیگر هم باشند.

غرب آسیا

در خاورمیانه برنامه‌های عقیدتی فراوانی در ماهواره‌های مختلف برای نوجوانان ساخته می‌شود که جذابیت هنری و سرگرمی‌سازی ندارند و هیچ استراتژی غیرمستقیمی درنظر نگرفته‌اند، اما ترکیه و پاکستان دو کشوری هستند که در این منطقه سریال‌سازی فعالی در حوزه نوجوانان دارند. سینمای پاکستان زیر سایه غول بزرگ و هم‌زبانش یعنی هند نتوانست به اوج برسد، با این حال بدرغم اینکه هندوستان هم در سریال‌سازی نوجوانان سریار فعال است، اما پاکستان این عرصه را برخلاف سینما کاملا به رقیب سیاسی و استراتژیک قدیمی‌اش واگذاشته است. ترکیه هم که بعد از ایالات متحده دومین صنعت سریال‌سازی دنیا را دارد، در زمینه نوجوانان نیز بسیار فعال است. گذشته از تولیدات محدود بعضی دیگر از کشورهای منطقه مثل ارمنستان، ایران هم تا چند سال پیش در حوزه تولید تین‌شو بسیار فعال بود.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

نگاهی به ۳ دهه برنامه‌سازی تلویزیون برای نوجوان‌ها

شوق دیدن نسل فراموش‌شده

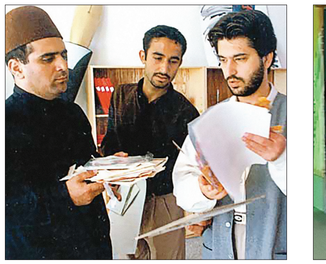

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

دوست داشتم صبحی باشم، چون وقتی بعدازظهری بودم و تا به خانه می‌رسیدم، برنامه مورد علاقه‌ام شروع شده بود، برنامه‌ای که بخشی از نوجوان‌ها، پای ثابت تماشاگردنش بودند. «نیمرخ»، برنامه‌ای که پر از حرف بود و پر از دغدغه برای نوجوان‌هایی که می‌خواستند تازه معنای زندگی را درک کنند. درست برعکس این روزها که شاید برای این قشر نه برنامه‌ای داریم و نه حتی هدفی برایشان متصور هستیم. البته فقط «نیمرخ» نبود. برنامه‌های دیگری هم داشتیم، مثل «اکسیژن» که شهاب حسینی آن را اجرا می‌کرد و بعد در دهه ۸۰، برنامه «کوله‌پشتی» که فرزاد حسنی اجرای آن را به‌عهده داشت و مثل دو برنامه قبلی، آن برنامه هم دوست داشتنی بود و مخاطبان زیادی داشت. در این صفحه قرار است از این برنامه‌ها بگوییم و استقبالی که از آنها شد و حاشیه‌هایی که برای آنها وجود داشت و خط‌سکی‌هایی که این برنامه‌ها داشتند. در روزگار نفوذ شبکه‌های اجتماعی بر زندگی نوجوان‌های ایرانی‌ها ساختن برنامه برای این قشر سخت شده است، اما همه اینها نباید بهانه‌ای، برای نساختن برنامه‌هایی ویژه نوجوان‌ها باشد.

نیمرخ

شاید نیمرخ را بتوان نقطه شروعی برای آغاز برنامه‌های نوجوان در تلویزیون دانست. برنامه‌ای که هنوز هم بعد از دو دهه مجموعه‌ای نام‌آشنا در تاریخ سیمای نوجوان است. برنامه‌ای که اولیا حتی اسم هم نداشت و مجری چشم در چشم مردم از آنها درخواست کرد که آنها اسمی برای برنامه‌شان انتخاب کنند و درنهایت یک برنامه نامزد»، «نیمرخ» پیروز این نظرسنجی شد. نیمرخ که پخش آن از اوایل دهه ۹۰ شروع شد، به‌قدری بین مخاطبان پایانی روز این بار در صبح‌های تابستان میهمان خانه‌های مردم بود. برنامه‌ای که انگار با نسخه دخترانه‌اش رقابت و کل کلی تنگاتنگ داشت که همین موضوع «دخترانه» و «پسرانه» بین نوجوان‌های آن زمان به جذابیت بیشتر آن کمک می‌کرد. برنامه‌ای که اجرای آن را «جواد مولانیا» برعهده داشت. مجری‌ای که با وجود شروع پرشورش در قاب سیما اما در سال‌های بعد حضور پایداری از او در تلویزیون ندیدیم. اما اتفاقی که حالا شاید بعد از ۱۰ سال هم طبیعتا از تتاتر کمک گرفته بودم. یادم می‌آید، زنده‌یاد رضا صفدری که «شب‌های تابستان» را اجرا می‌کرد، زنده‌یاد منوچهر نوذری، حسین پاکدل گوینده، پخش شکیب یک بود، محمود شهریاری هم مسابقات تلویزیونی را در آن زمان به عهده داشت. من اجرای این بزرگواران را واقعا دوست داشتم، اینها پیشکسوت‌های اجراهستند و خواهند ماند اما معتقدهستم هر کسی در هر کاری اگر می‌خواهد تاثیرگذار باشد باید سبکی بدیع داشته باشد وفرقی هم نمی‌کند چه کاری انجام می‌دهد، باید در هر حرفه‌ای که هست امسالش با سال قبل فرق کند. ممکن است این نگاه آرمان‌گرایانه باشد اما تا نگاه ما آرمان‌گرایانه نباشد، نمی‌توانیم به آرزوهای خود برسیم. من با این نگاه کارم را شروع کردم و سعی کردم اجرایم متفاوت باشد. در برنامه «نیمرخ» خواستم از کلیشه غالب اجرای خشک و رسمی خارج شوم که این اتفاق هم افتاد. این نتیجه تلاش من و البته حمایت کارگردان و عوامل برنامه بود چون باید پذیرش این تفاوت‌ها از طرف گروه هم وجود می‌داشت. هر زمان که اجرا داشتم شب قبل با خود فکر و تمرین می‌کردم و همه فکر و ذهنم این بود که چگونه کار متفاوتی انجام دهم. به هرحال خلاقیت هیچ‌گاه کار آسانی نبوده است. حتی حفظ کردن متون چندین صفحه‌ای پلاتوهای برنامه هم کار آسانی نبود، «نیمرخی» با برنامه جلو آمدند و بروز خلاقیت برای جذب کردن نوجوان‌ها باعث شد که بهتر دیده شوند. مطمئنا شیرین‌ترین و بامنک‌ترین شخصیت این برنامه تلویزیونی که آن را بیش‌ازپیش در ذهن ماندنی می‌کرد، «فدفه» با اجرای «حسین رفیعی» بود. کافی است تا کل کل‌های او را با امیرحسین مدرس مرور کنید. کاراکتری که رفیعی بعدها اعلام کرد که آن را از شخصیت یکی از دوستان دوران کودکی‌اش الهام گرفته است. برای اینکه لحن شیرین این کاراکتر را تجسم کنید، سری بزنید به قرار معروف ۷۷/۷/۷ را به قول فدفه، «هیت هیت هیتاتوهیت»! نیمرخ علاوه بر یک برنامه گفت‌وگومحور تلویزیونی، برای خیلی‌ها سکوی پرواز بوده و آنها را به تلویزیون معرفی کرده است و حتی برخی از طریق مسابقه خانه فرهنگ نیمرخ مجری شدند. بعدها با تعطیل شدن نیمرخ، «کوتر دات کام» از دل این برنامه بیرون آمد و ادامه‌ای بر نیمرخ شد که با اجرای «مژده لواسانی» و «رژین کاتنی» روی آنتن می‌رفت.

دخترا سیب گلابند

«دخترا سیب گلابند» برنامه گفت‌وگومحوری که با تیتراژ و شعر دوست‌داشتنی‌اش با صدای «مجید اخشابی» معروف شد و سال ۸۳ با اجرای نیلوفر امینی‌فر و سحر رضوی و شیوا نلوریان روی آنتن رفت. برنامه‌ای خاص دختران جوان با حس‌وحال دخترانه هم آن را اجرا می‌کردند و رقیب نسخه پسرانه خود بود که البته در این رقابت پیروز بود و مدت‌ها بعد از توقف برنامه پسرانه، به کار خود ادامه داد.

پسران ایرونی

اگر در دهه ۷۰ و ۸۰ از مخاطبان برنامه‌های نوجوان به‌حساب می‌آمدید شاید به سختی بتوان این برنامه را جزء برنامه‌های ویژه نوجوان‌ها قرار داد. ولی ایندای کار برنامه‌سازان «کوله‌پشتی» برنامه‌ای ویژه نسل نوجوان بود. «کوله‌پشتی» با مصاحبه‌های جنجالی‌اش، توانست مخاطبانش را راضی نگه دارد. این برنامه هر فصل که ساخته می‌شد، به لحاظ خط‌ربط‌ها و محتوایی تغییراتی داشت. در فاصله تابستان ۱۳۸۳ تا تابستان ۱۳۸۶، در چهار سری برای شبکه سه سیما پخش شد. کارشناسان حوزه رسانه موفقیت این برنامه تلویزیونی را در عوامل متعددی همچون جوی‌ایجاد این برنامه، ریتم تند موسیقی و تیتراژ این برنامه و موضوعات و افراد دعوت‌شده در این برنامه می‌دانند. این برنامه برای افراد حاضر در سالن، فضای شاد یکی از متفاوت‌ترین برنامه‌هایی بود که او اجرا کرد. افراد دعوت‌شده در این برنامه افرادی بودند که یک ویژگی خاص داشتند. میهمانانی که به برنامه «کوله‌پشتی» می‌آمدند، معمولا با توجه به اجرای فرزاد حسنی، گفت‌وگوی جذابی می‌شد اما چند برنامه بسیار پرمخاطب شد. برنامه‌ای که علی اکبر ولایتی، وزیر اسبق امور خارجه حضور داشت. این برنامه‌هایی که با نفرات اول کنکور صحبت می‌کرد. اما آنچه باعث رونق این برنامه شد پخش مصاحبه با فردی به نام خانم آرین بود کسی که دین اسلام را انتخاب کرده بود و این مصاحبه بارها و بارها در شبکه‌های مختلف بازپخش شد.

نوجوانان برنامه اجرا می‌کرد. او درباره اجرای این برنامه در گفت‌وگویی گفته بود: «آقای رسولی که تهیه‌کننده برنامه «اکسیژن» بودند از عزیزترین دوستان و درواقع می‌شود گفت از اساتید اولیه من در زمینه کاری‌ام هستند. «اکسیژن» تجربه خوبی بود که با هم داشتیم و یاد و خاطره آن همیشه برایم زنده است. مهر آقای رسولی همیشه در دل من است. اکسیژن اولین برنامه‌ای نبود که من آن را اجرا کردم اما مخاطبان این برنامه چون قشر نوجوان بودند، خیلی بیشتر از برنامه‌های قبلی بود و همین مساله باعث شد تا اکسیژن یکی از برنامه‌های خوبی باشد که در ذهنم ماندگار شود و همیشه به‌عنوان یک اتفاق خوب از آن یاد کنم. یادم می‌آید که یکی از دوستانم به من گفت: «آقای رسولی برنامه‌ای را برای شبکه ۲ سیما تهیه و تولید می‌کند به اسم «اکسیژن» و برای انتخاب مجری آن تست می‌گیرد. بین ۱۵۰ نفر در تست شرکت کردم و به لطف خدا که همواره همراهم بوده، انتخاب شدم. به این ترتیب کار من در تلویزیون شروع شد. آن برنامه خیلی موفق بود. در آن زمان امیرحسین مدرس و کامیار اسماعیلی در برنامه «نیمرخ» این راه را هموار کرده بودند و ما در برنامه اکسیژن یک‌سری موزیک‌های پاپ و رپ کار کردیم که خیلی باعث جذابیت برنامه شد.»

سلام بهار

نام «سلام بهار» بیشتر برای دهه هفتادی‌ها آشناست. برنامه‌ای که دو نوجوان شوخ‌وبرد با متلک‌ها و شوخی‌های خاص سن‌شان مخاطبان هم‌سن‌وسال را پای تلویزیون میخ‌کوب می‌کردند. «کیوان ساکت» ۱۸ ساله و «محسن افشانی» ۱۹ ساله دو مجری نوجوان بودند هر روز ساعت ۱۸ به قاب تلویزیون می‌آمدند و با شوخی‌های خود نه‌تنها مخاطبان که عوامل پشت‌صحنه را گاهی وادار به خنده می‌کردند. برنامه‌ای که با این شعر آغاز می‌شد و گلی طرف‌دار پیدا کرده بود: «این روز حال و هوات بهاریه/ نوجوونی فصل بی‌قراریه. «الهه کسمایی»، تهیه‌کننده و «معصومه جعفری»، کارگردان برنامه «سلام بهار» بودند. محسن افشانی پس از این کار به سایه معروفی شد و خیلی زود وارد کار بازیگری شد؛ اما کیوان با به قول خودش ساکت‌اف تجربه‌اش در کار اجرا و به‌ویژه اجرا برای نوجوانان باقی بماند.

کوله پشتی

شاید به سختی بتوان این برنامه را جزء برنامه‌های ویژه نوجوان‌ها قرار داد. ولی ایندای کار برنامه‌سازان «کوله‌پشتی» برنامه‌ای ویژه نسل نوجوان بود. «کوله‌پشتی» با مصاحبه‌های جنجالی‌اش، توانست مخاطبانش را راضی نگه دارد. این برنامه هر فصل که ساخته می‌شد، به لحاظ خط‌ربط‌ها و محتوایی تغییراتی داشت. در فاصله تابستان ۱۳۸۳ تا تابستان ۱۳۸۶، در چهار سری برای شبکه سه سیما پخش شد. کارشناسان حوزه رسانه موفقیت این برنامه تلویزیونی را در عوامل متعددی همچون جوی‌ایجاد این برنامه، ریتم تند موسیقی و تیتراژ این برنامه و موضوعات و افراد دعوت‌شده در این برنامه می‌دانند. این برنامه برای افراد حاضر در سالن، فضای شاد یکی از متفاوت‌ترین برنامه‌هایی بود که او اجرا کرد. افراد دعوت‌شده در این برنامه افرادی بودند که یک ویژگی خاص داشتند. میهمانانی که به برنامه «کوله‌پشتی» می‌آمدند، معمولا با توجه به اجرای فرزاد حسنی، گفت‌وگوی جذابی می‌شد اما چند برنامه بسیار پرمخاطب شد. برنامه‌ای که علی اکبر ولایتی، وزیر اسبق امور خارجه حضور داشت. این برنامه‌هایی که با نفرات اول کنکور صحبت می‌کرد. اما آنچه باعث رونق این برنامه شد پخش مصاحبه با فردی به نام خانم آرین بود کسی که دین اسلام را انتخاب کرده بود و این مصاحبه بارها و بارها در شبکه‌های مختلف بازپخش شد.

شاید یکی از دلایل موفقیت این برنامه، حضور فرزاد حسنی بود، کسی که طرز حرف زدن، نشستن و سایر حرکاتش به گونه‌ای بود که برخی این برنامه را فقط و فقط به خاطر مجری آن نگاه می‌کردند. او در اجرای برنامه‌ها مهارت زیادی داشت، مخصوصا وقتی می‌خواست فرد مقابل را به چالش بکشاند و اتفاقا همین چالش کشیدن‌های او باعث شد تا برنامه «کوله‌پشتی» برای همیشه تعطیل شود. فرزاد حسنی در یکی از برنامه‌هایی که با احمدرضا ر